امر به معروف و نهی از منکر[[1]](#footnote-1)

منبع: فصل تحول( فصلنامه اختصاصی تحول در علوم انسانی)سال 5، شماره 13-14-پاییز و زمستان 1395، صص52-55.

مساله امر به معروف و نهی از منکر از جهات گوناگون در منظومه معرفتی اسلام بااهمیت است. این مساله از یک سو به گونه ای دنیای اندیشه اسلام را از اندیشه لیبرال تا اندازه ای جدا کرده است. از سوی دیگر تلقی های گوناگون از آن در جهان اسلام هم از آغاز تا کنون شکاف ها و دسته بندی هایی را پدید آورده است.

یکی از علل و وجوه افتراق ما مسلمانان با مدنیت غربی رایج، همین تفاوت تلقی ها در باره امر به معروف و نهی از منکر است. اگر بخواهیم با زبان و ادبیاتی اجتماعی تر و امروزی تر سخن بگوئیم باید گفت: نزاع در باره مساله امر به معروف و نهی از منکر در واقع همان نزاع در باره ترویج و ارتقای خیر عمومی است. در دیدگاه های جامعه گراتر -که اسلام هم در هر حال از مایه های جامعه گرایانه برخوردار است - به خیر عمومی و ترویج فضیلت های اخلاقی و مدنی اهمیت داده می شود. در دیدگاه های فردگرایانه تر، بر انتخاب های شخصی و ترجیحات شخصی تأکید می شود. در همه نحله های اندیشه ای که در مدنیت غربی زمان ما وجود دارد به مساله خیر عمومی که گاه در امر به معروف و نهی از منکر تجلی پیدا می کند یکسان نگاه نمی کنند. اتفاقا وجود این نهاد در منظومه معرفتی اسلام باعث توجه برخی اندیشمندان غربی شده که به کاستی های فردگرایی افراطی توجه کرده اند.[[2]](#footnote-2)

جان استوارت میل در رساله درباره آزادی که یکی از کتاب هایی است که پایه های مدنیت غربی را شکل داده از آزادی های فردی و عدم جواز مداخله دولت و جامعه در کار دیگران سخت دفاع نموده است. او با این حال گفته است:

«سوء تفاهم بزرگی است اگر کسی گمان برد که نظریه من از بی تفاوتی خودخواهانه ای حمایت می کند که وانمود می کند که آدمیان در زندگی با رفتارهای یکدیگر هیچ کاری ندارند و نباید خود را دل مشغول درست کرداری[[3]](#footnote-3) یا رفاه[[4]](#footnote-4) دیگران سازند.»[[5]](#footnote-5)

به نظر میل:

«آدمیان به گردن یکدیگر حق دارند تا همدیگر را برای شناخت بهتر از بدتر و و تشویق به انتخاب بهتر و پرهیز ار بدتر کمک کنند.»[[6]](#footnote-6)

تأکید میل در گسترش خیر عمومی بر عنصر اقناع و آموزش بجای تازیانه و تنبیه است.[[7]](#footnote-7) میل همزمان معتقد آدمیان است بر اساس تشخیصی که به نظر دیگران نامطلوب است عمل کنند.[[8]](#footnote-8) میل با ذکر مثالی می گوید: اگر کسی از روی پلی رد می شود و دیگری می داند این پل در امتداد شکسته می شود و فرد به رودخانه سقوط می کند شخص مطلع باید مراتب را به وی گوشزد کند؛ اخلاق مراقبت و اعلام وضعیت به او و هشدار دادن به وی خوب است و نگفتن نابجا است. حتی اگر امکان صحبت کردن با فرد وجود نداشته باشد، می توان به طور فیزیکی مانع او شد و با وی سخن گفت. با این حال میل ابراز تردید می کند که هرگاه فرد آگاهانه این گونه راه رفتن بر روی پل را انتخاب کرده است، ناظر بیرونی بتواند دست آن فرد را بگیرد و به صورت فیزیکی مانع او شود. بلی اگر او آگاهانه عبور از چنان پلی را انتخاب کرده است نمی توان مانع او شد.[[9]](#footnote-9)

در جهان اسلام به رغم پذیرش عمومی امر به مروف و نهی از منکر در باره جزئیات مسائل آن، اختلاف نظر، کم نبوده است. از دیرباز، از قرن سوم هجری در میان اصولیان و فقیهان و حتی به اعتباری متکلمان، بحث بر سر این بود که امر به معروف و نهی از منکر، واجب عقلی است یا نقلی؟[[10]](#footnote-10) سید مرتضی می گوید: برخی از اصحاب ما امر به معروف و نهی از منکر را عقلی می دانند؛ ولی صحیح این است که آن دو، واجبی نقلی هستند.[[11]](#footnote-11) با این حال او می پذیرد که در مواردی که امر به معروف و نهی از به دفع ضرر باز می گردد، عقلی است. این بحث تا به امروز هم ادامه دارد.

به گمان من حق در این باره با کسانی است که امر به معروف و نهی از منکر را که همان توسعه خیر عمومی است، عقلی می دانند. چون توسعه و ارتقای خیر عمومی امری عقلی است. این به معنای آن است که اوامر و نهایی موجود در متون دینی در باره تشویق به امر به معروف و نهی از منکر، از جنس اوامر ارشادی و ناظر به همان دریافت و رهیافت عقلانی است. حتی در قرائت های بسیار لیبرال هم اصل امر به معروف و نهی از منکر و روح مراقبت به نوعی پذیرفته می شود. با آن که ادعا می شود دوران مدل دولت پدرسالار ارسطویی و افلاطونی به سر آمده است، در دولت های مدرن لیبرال هم رگه هایی از مراقبت و نظارت را می بینیم. مراتبی از پدرسالاری نرم بویژه زمانی که دولت تلاش کرده باشد در فرایندی گفتمانی افق دید خود را با شهروندان همسو نموده باشد، قابل توجیه است. این به معنای آن است که حتی در پدرسالاری هم باید به عنصر اقناع توجه کرد. در واقع، از چالش های مهم پدرسالاری وجه معرفت شناسانه آن است؛ این که دولت و حاکمیت، شناخت و برداشت خود از مفاهیم اجتماعی را بر شهروندان تحمیل کند.

یکی از مباحث مهم امر به معروف و نهی از منکر، نسبت میان آن با آزادی است. اغلب هرگاه سخن ار امر به معروف و نهی از منکر به میان می آید به درستی پای این پرسش به میان می آید که سرنوشت آزادی انتخاب انسان که آن نیز از فضایل یا ارزش هاست چگونه خواهد شد. این نگرانی حتی از چشم انداز اسلامی هم بسیار بجاست. این نکته بسیار مهم است که آیا در برداشتمان از امر به معروف و نهی از منکر، جانب آزادی افراد در انتخاب را پاس می داریم و از آن مراقبت می کنیم تا امر به معروف و نهی از منکر به ابزاری برای تحمیل و اجبار تبدیل نشود؛ یا آن که این نهاد را به دستاویزی برای اجبار و تحمیل تبدیل می کنیم. این مسأله در تعیین حدود و ثغور و حتی اهداف امر به معروف و نهی از منکر بسی تعیین کننده است.‬‬‬

جوهر امر به معروف و نهی از منکر این است که انسان نسبت به همنوعانش روح مراقبت و مهربانی داشته باشد و بد آنها را بد خود و خوب آنها را خوب خودش بداند. این امر به لحاظ مبانی اخلاقی هم موجه و پذیرفتنی است؛ اما این معنا را نمی توان ضرورتا به اجبار و الزام تفسیر و تعبیر کرد.

پس از بحث از عقلی یا نقلی بودن امر به معروف و نهی از منکر این بحث مطرح می شود که دامنه امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

یکی از کارکردهای فقه در طول تاریخ ایجاد محدودیت در برابر حکومت ها بوده است. یعنی فقها به سهم خود با محدودیت هایی که با نام چارچوب های فقه وضع و تعبیه می نمودند، چارچوب اقتدار و مداخله دولت را محدود می کردند. اکنون در مقام داوری درباره این نکته نیستم که فقه در ادوار تاریخی مختلف در این باره تا چه اندازه اثرگذار بوده است؛ اما این کارکرد فقه را انکار نمی توان کرد. در هر حال، بسیار خطرناک خواهد بود اگر این معادله، وارونه شود و فقه تبدیل شود به به ابزاری به نفع حکومت و در جهت محدود کردن آزادی ها، ترجیحات و انتخاب های مردم.

برداشت اولیه مسلمانان از امر به معروف و نهی از منکر این بود که وقتی خلیفه دوم در یکی از سخنرانی هایش اظهار کرد که: من ممکن است بلغزم و خطا بروم، مسلمانان به وی گفتند از این بابت نگران نباش، ما با شمشیری که در اختیار داریم تو را راست می کنیم و به صلاح باز می گردانیم. بی گمان این آموزشی بود که مسلمانان از پیامبر(ص) فرا گرفته بودند. مسلمانان از تعالیم پیامبر(ص) فرا گرفته بودند که می توانند و باید در برابر حکومت، امر به معروف و نهی از منکر کنند. مسلمانان مفهوم نظارت بر کارکردها و اقدامات عمومی مسئولان در امور عمومی را در عالی ترین سطوح حاکمیت پذیرفته بودند. استاد فقید، دکتر ناصر کاتوزیان در مقاله ای ماندگار تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر، ترجمان حق آزادی بیان» توضیح داده اند که: امر به معروف و نهی از منکر همان حق بر آزادی بیان است. به هر روی امر به معروف و نهی از منکر، به لحاظ دامنه و قلمرو، ابزار و سلاحی بود به دست مردم برای مهار حکومت، لذا این معادله را نباید واژگون و وارونه نمود. واژگون کردن این معادله و سلب حق مردم در امر به معروف و نهی از منکر مصداق تضییع حق الناس است. حق الناس در معنای اسلامی آن به تعرض به حقوق اشخاص آن هم در قلمرو حق های مربوط به مالکیت فردی محدود نمی شود. نظارت بر امور عمومی هم حق مردم و تعرض به آن، تضییع حق الناس و موجب ضمان در ین جهان و مسئولیت در برابر پروردگار در سرای دیگر است.

باید یادآور شوم که در ادبیات فقهی رایج مفهوم حق الناس در برخی عرصه ها به خوبی پررنگ شده است؛ مانند حق بر مالکیت فردی؛ اما به جلوه های حق الناس در عرصه عمومی توجه نشده است. حال آن که به گمان من حتی در فقه رایج می توان از قاعده ای به نام "قاعده تقدم حق الناس بر حق الله" سخن گفت. جلوه ها و مصادیق این قاعده به قلمرو مالکیت فردی و حتی مسائل خصوصی محدود نمی شود؛ بلکه جلوه های حق الناس در عرصه عمومی و اداره اجتماع به مثابه امر عموی بسیار مهم اند. تأکید بر اهمیت حریم خصوصی به رسم زمانه ما تبدیل شده است؛ اما حوزه عمومی و حق های مرتبط با آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به هر روی مهم این است که به حق مردم بر این که دولت و حاکمان را امر به معروف و نهی از منکر کنیم اعتراف کنیم و در نظر و عمل این را بپذیریم. اگر جامعه هوشمند ما این را دریاید خواهیم دید که چگونه از امر به معروف و نهی از منکر استقبال می کند. یکی از کاستی های امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ما این است که اغلب از امر به معروف و نهی از منکر حاکمان یا نهادهای شبه حکومتی سخن گفته ایم و آن روی دیگر بحث را به فراموشی سپرده ایم.

ترسیم دامنه امر به معروف و نهی از منکر از نگاهی دیگر هم بسییار مهم است. از دیرباز تصور مسلمان ها بر این بود که امر به معروف و نهی از منکر مربوط به حوزه عمومی و قلمرو امر آشکار (Public) است و لذا در منابع اسلامی می خوانیم که وقتی خلیفه دوم از خانه ای صدای آواز و تار و تنبور شنید و از آن خانه بالا رفت و خواست صاحبخانه را نهی از منکر کند، صاحب خانه گفت: ای خلیفه مسلمین! من اگر یک خلاف کرده ام، تو چند خلاف مرتکب شدی. قرآن می فرماید: ولا تجسسوا؛ شما تجسس می کنید. قرآن می فرماید: به خانه ها از در آن در آیید؛ ولی شما از پشت بام وارد شدید. قرآن می فرماید: وقتی به خانه ای وارد می شوید بر اهل آن سلام کنید ولی شما بر من فریاد زدی. در تاریخ نقل نشده است که خلیفه دوم جواب رد به آن شخص داده باشد، بلکه ظاهرًا حرف آن مسلمان را پذیرفته است. توسعه امر به معروف و نهی از منکر به قلمروهای خصوصی به نوعی سرچشمه های اخلاق را هم می خشکاند.

بحث دیگری که در امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است، شرط کارآمدی و تأثیر است. امر به معروف و نهی از منکر باید کارآمد بوده و در نهایت به بهبود وضعیت کمک کند. در منابع فقهی در بحث امر به معروف و نهی از منکر اغلب به عنصر اثرگذاری توجه شده است. پس پیامدگرایی در امر به معروف و نهی از منکر بسیار مهم است. برای اثرگذاری یک راه این است که ما به جای این که این قدر به شکل و صورت امر به معروف و نهی از منکر تکیه کنیم، به نهادینه کردن آن در جوامع پیچیده امروزی توجه کنیم. امر به معروف و نهی از منکر باید در قالب نهادهای اجتماعی خود را نشان بدهد.

چگونه می توان امر به معروف و نهی از منکر را نهادینه کرد؟ امروزه این نهادهای مدنی و احزاب اند که توان این کار را دارند. احزاب، ناقد قدرت و طراح و ناظر مسائل اجتماعی هستند. در جامعه ای که به امر به معروف و نهی از منکر بها می دهد شرایط برای تشکیل انجمن ها و انواع نهادها دشوار نخواهد بود. جرا باید برای تشکیل انجمنی برای دفاع از محیط زیست و کارهای خیر و عام المنفعه به انواع تأییدها، مجوزها و فرایندهای دلسردکننده و دشوار نیاز باشد؟ این رویکرد باب تلاش بر ای خیر عمومی و نظارت عامه در امور عمومی را کاهش می دهد. نباید تردید کرد که میان بی مهری به نهادهای مدنی و گسترش فساد رابطه مستقیم وجود دارد. آنان که به راستی از گسترش فساد در جامعه بیمناکند قدری به نهادهای مدنی و نظارت های عمومی بها بدهند؛ خواهند دید فساد به طور طبیعی کاهش می یابد.

به هر روی ما باید آنچنان با عمل خود اخلاق مداری را در جامعه نهادینه کنیم که انسان های بی اخلاق از بی اخلاقی کردن بپرهیزند. این است راه ساختن یک جامعه به لحاظ اخلاقی خود- سازمان؛ جامعه ای که در آن احساس ها و رهیافت های اخلاقی آن قدر قوی است که متخلف در آن منزوی است. یک دروغگو با یک دروغ سر به زیر بشود؛ اما اگر حس اخلاقی جامعه مرده باشد کسی ده ها دروغ می گوید و همچنان سربرافراشته و با غرور راه می رود؛ چون روح اخلاق و اخلاق گرایی مرده است. مطمئن باشید طراحی ساز و کارهای قانونی، سازمان های منظم و دقیق برای توسعه امر به معروف آن قدرها که گمان می شود، کارساز نیست. برای چیره شدن بر تخلف باید روح اخلاق گرایی را در جامعه احیا کرد و توسعه داد؛ این روح، ضمانت اجرای کارآمدی است برای سرزنش بدی توسط افکار عمومی و توسعه خوبی و خیر. متأسفانه در برخی نوشته ها در باره امر به معروف و نهی از منکر تصوری آهنین و بسیار فیزیکی و امنیتی از این مقوله الهی و انسانی ارائه شده است.[[12]](#footnote-12) این رهیافت و دریافت از امر به معروف و نهی از منکر آن را به ضد خود تبدیل می­کند. البته شک نیست که گاه امر به معروف و نهی از منکر تفاوت هایی دارند. از پاره ای از منکرات مهم امروزه با ضمانت اجراهای قانونی مقابله می شود؛ بخشی از این مقابله در چهره پیشگیری و بخشی از آن، در قالب واکنش اجتماعی است. اما در تمام این موارد، حقوق کسانی که منکر انجام داده اند رعایت می شود. اصول و موازین انسانی و حق بر دفاع و کرامت انسان و اصل کیفر بدون بیان روشن در هر حال باید رعایت شود.

لازمه مباحث پیش گفته آن است که امر به معروف و نهی از منکر مسئولیت یا به تعبیری نوعی اعمال حق است که با انبوهی از ظرافت ها همراه است. هم از این روی در میراث ماندگار اهل بیت به پیروی از آموزه های قرآنی برای آمران به معروف و ناهیان از منکر شرایطی پیش بینی شده است. با آن که این تکلیف به نوعی همگانی است، همچون بسیاری دیگر از تکالیف به شرایط ویژه نیاز دارد. آگاهی به معروف و منکر، برآورد اثرگذاری و مستلزم زیان و ضرر نبودن امر به معروف و نهی از منکر و بویژه این که موجب بدآیند سوژه های امر به معروف و نهی از منکر از دین، یا لجاجت و اصرار آنها نمی شود، مستلزم آگاهی های وسیعی است. به همین ترتیب با توجه به شکل گیری دولت مدرن و عهده داری برخورد با منکرات اصلی در قالب جرم انگاری و مجازات باید هوشیار بود تا تداخل وظایف نهادها و افراد پیش نیاید و نظم و انتظام اجتماعی آسیب نبیند و حقوق و آزادی ها به نام این دو فریضه مقدس نقض نشود.

1. . دکتر رحیم نوبهار. عضو هیأت علمی دانشکده حقوق- دانشگاه شهید بهشتی [↑](#footnote-ref-1)
2. . نمونه روشن این توجه در کار سترگ مایکل کوک تبلور یافته است. نک: کوک، مایکل، امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی، ترجمه: احمد نمایی، مشهد، آستان قدس رضوی(ع)، 1384. [↑](#footnote-ref-2)
3. .Well-doing [↑](#footnote-ref-3)
4. . Well-being [↑](#footnote-ref-4)
5. . c.f. Mill, J. S. On Liberty, Hacket, Cambpridge, p.74, 1978. Edited by: Elizabeth Rapaport. [↑](#footnote-ref-5)
6. .Human beings owe to each other help to distinguish the better from the worse, and encouragement to choose the former and avoid the latter.(Ibid) [↑](#footnote-ref-6)
7. . Ibid. [↑](#footnote-ref-7)
8. . Ibid, p. 75. [↑](#footnote-ref-8)
9. . برای ملاحظه بحثی تفصیلی تر در این باره نک: نوبهار، رحیم، حقوق کیفری و حوزه عمومی، حوزه خصوصی، ص283، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، بهار1387. [↑](#footnote-ref-9)
10. . برای ملاحظه بحصی کوتاه در این باره نک: جابری زاده، عبد الامیر، "امر به معروف و نهی از منکر"، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج10، صص202-204 ، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، 1380. [↑](#footnote-ref-10)
11. . نک: موسوی، علی بن الحسین(الشریف المرتضی)، شرح جمل العلم والعمل،ص164، دار الاسوه، قم، 1414ق؛ همو، الذخیره فی علم الکلام، ص553، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، 1قم، 1431، تحقیق: سید احمد حسینی. [↑](#footnote-ref-11)
12. . نک: عمید زنجانی، عباسعلی، تکمله فقه سیاسی: امر به معروف و نهی از منکر، خرسندی ، تهران، 1392. (در این اثر که این جانب از جمله به دلیل چاپ و انتشار آن پس از وفات مؤلف محترم –رحمه الله- در تأیید نهایی آن توسط ایشان تردید جدی دارم قرائتی بسیار امنیتی و آهنین از فریضه انسانی امر به معروف و نهی از منکر ارائه شده است.) [↑](#footnote-ref-12)